

ویژگیهای مطلوب در تدوین سرفصل درسی دانشگاهی با نقد بر سرفصلهای درسی رشته زبان فرانسه

دکتر مه‌ری بهرام بیگی*
bahrambeygi@samt.ac.ir

چکیده

یکی از ابزارهای برنامه درسی سرفصلهای درسی هستند که دارای ویژگیهای خاصی اند. سرفصل‌های درسی از فعالیت آموزشی و ابزاری برای برنامه‌ریزی آموزشی است و پیشرفت کلاس به آن بستگی دارد. بنابراین، تهیه سرفصل درسی مناسب، ارائه یک سرمایه‌گذاری بزرگ است و شایسته است برای این سرمایه‌گذاری تلاش شود. سرفصل باید تمام اطلاعات مفید مرتبط با کلاس و برنامه‌ریزی آموزشی برای آن درس را در اختیار دانشجویان قرار دهد. سرفصلهای مبهم، بدون انسجام، نامرتب با گرایش رشته‌ها، کهنه و قدیمی، غیر کاربردی و نامتناسب با حجم و تعداد واحد درسی اطمینان و آرامش را از دانشجو سلب می‌کند و تا پایان ترم تحصیلی او را در اضطراب قرار می‌دهد. تهیه سرفصل درسی می‌تواند تحت تأثیر عواملی با جهت‌گیری به سمت آموزش به انتقال دانش یا با جهت‌گیری به سمت یادگیری به کسب دانش راهنمایی شود. علاوه بر ارائه نمونه‌ای از سرفصل مطلوب دانشگاهی که بیشتر در کشورهای غربی این‌گونه سرفصلها مرسوم است، با بررسی میزان مطلوبیت سرفصلهای رشته زبان فرانسه در ایران به این مهم دست می‌یابیم که متأسفانه سرفصلها نیازمند بازبینی جدی و اساسی هستند، زیرا به نظر می‌رسد در تعیین دروس پیش نیاز دقت لازم نشده است و برخی ناهماهنگیها در ارائه دروس و در نظر نگرفتن تقدم و تأخرها و نگذاردن برخی پیش‌نیازها مشکل ایجاد کرده است.

کلید واژه‌ها

سرفصل دانشگاهی، ویژگیهای سرفصل مطلوب، فعالیت آموزشی، سرفصلهای زبان فرانسه.

* استادیار مرکز تحقیق و توسعه، و مدیر گروه زبان و ادبیات فرانسه سازمان «سمت»
تاریخ دریافت: 1390/11/1 تاریخ پذیرش: 1390/12/13

مقدمه

برنامه درسی به مجموعه‌ای هماهنگ از اهداف، سرفصلها، محتوای دروس، روشهای تدریس و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی اطلاق می‌شود که تهیه آن، اصول خاص خود را دارد. برنامه درسی می‌بایست شخصیت، استعداد، خلاقیت و توانایی دانشجو را در تمام جوانب پرورش دهد؛ همچنین باید روشهای علمی را ارائه دهد و امکان یادگیری عمیق و پایدار را فراهم سازد. برنامه درسی باید به گونه‌ای باشد که انگیزه خود-یادگیری را در دانشجو ایجاد کند و از تازگی و اعتبار علمی برخوردار باشد. یک برنامه درسی خوب باید ارزش علم و کاربرد آن را در زندگی به خوبی بشناساند.

یکی از ابزارهای این برنامه درسی سرفصلهای درسی است. اما این سرفصل چیست؟ ویژگیهای مطلوب یک سرفصل دانشگاهی کدامند؟ آیا معماری آموزشی بهترین واژه برای سرفصل درسی نیست؟ اینها سؤالاتی هستند که نگارنده را بر آن داشت تا به نگارش این مقاله پردازد.

تعریف و مفهوم سرفصل

سرفصل در اصل سند مکتوب چند صفحه‌ای است که باید تمام اطلاعات مفید درس را معرفی کند. در واقع، سرفصل طرحی از فعالیتهای آموزشی است که اهداف و مقاصد یک برنامه درسی و در مجموع برنامه‌ای را که یک استاد باید دنبال کند، به تصویر می‌کشد. همچنین روشی را بیان می‌کند که این فعالیتهای آموزشی، یادگیری و ارزشیابی در مکان خویش سازمان‌دهی می‌شوند. بنا به تعریف ژان پی یر کوک¹ سیلابس² - عنوانی که بیشتر در کانادا از آن استفاده می‌شود - در خصوص ماهیت و کمیتهای دانش³، دانش - عملی⁴ و دانش - زیستی⁵ بحث می‌کند. سرفصل مسیری است که به دانشجوی پیشنهاد می‌شود. این مسیر با مجموعه‌ای از مراحل یادگیری، تمرینها، موانع و ارزشیابیها همراه است (Cuq, 2003).

در اینجا لازم به یادآوری است که در کشور ما ایران، سرفصلهای درسی⁶ را وزارت علوم و یا گروههای آموزشی دانشگاهها تعیین می‌کنند، درحالی که در اغلب

1. Jean-Pirre Cuq
2. syllabus
3. savoir
4. savoir-faire
5. savoir-être

6. البته این سرفصلها با مفهومی که در این مقاله بیان شده متفاوت است و فقط بخشی از آن را که شامل هدف، فهرست مباحث و منابع است دربر می‌گیرد و کلیه اجزاء سرفصل کامل را دربر ندارد.

کشورها این کار بر عهده استاد همان درس است و در هر دانشگاهی می‌تواند متفاوت باشد.

واژه سرفصل در ایران و محافل علمی غربی با دو معنای نسبتاً متفاوت به کار می‌رود. البته این دو معنا نقاط اشتراک زیادی نیز دارند، ولی توجه به تفاوت‌های آنها می‌تواند به روشن شدن موضوع کمک کند (فردانش، 1378).

در واقع، سرفصل درسی از یک سو مطالبات دانشجویان است؛ دانشجویانی که می‌خواهند بدانند از درس مورد نظر چه انتظاراتی باید داشته باشند و از سوی دیگر مطالبات استاد است که چه توقعاتی از دانشجوی آن درس دارد. بنابراین، زمانی که استادی یک سرفصل را تهیه می‌کند، این سرفصل می‌تواند به عنوان یک ابزار مشترک برای استادان دیگر، که همین درس را در دانشگاه‌های دیگر تدریس می‌کنند هم کاربرد داشته باشد. نکته مهم اینجاست که همیشه انتظاراتی از یک سرفصل وجود دارد که اگر به طور واضح و آشکار بیان شود، صرفه‌جویی قابل توجهی در زمان می‌شود و دیگر توضیحات مکرر رخ نمی‌دهد. در یک سرفصل باید محتوای مورد بحث مشخص باشد و اهداف آموزشی به خوبی تدوین شوند؛ همان اهدافی که استاد تمایل دارد دانشجویانش به آن دست یابند. پس، سرفصل خود ابزاری برای برنامه‌ریزی آموزشی است. زمانی که استاد سرفصل را در اختیار دانشجویانش قرار می‌دهد، در واقع تمام اطلاعات مفید مرتبط با کلاس و برنامه‌ریزی آموزشی برای آن درس را در اختیارشان می‌گذارد و دانشجویان نیز از موضوع درس، انتظارات استاد و سرانجام، هدف درس مطلع می‌شوند و با اطمینان آموزش را آغاز می‌کنند.

سرفصل‌های مبهم، بدون انسجام، نامرتب با گرایش رشته‌ها، کهنه و قدیمی، غیرکاربردی و نامتناسب با تعداد واحد درسی اطمینان و آرامش را از دانشجو سلب می‌کند و تا پایان ترم تحصیلی او را در اضطراب قرار می‌دهد؛ همچنین، مانع برقراری تعامل مناسب دانشجو با استاد می‌شود. هر سرفصل دلایل وجودی خود را در برنامه آموزشی دارد و با تهیه سرفصل مناسب می‌توان اطمینان یافت که به پیش‌نیازهای یک درس توجه لازم شده است. به گفته آلتمن و کاشین (Altman & Cashin, 1992) از لحاظ لغوی، سیلابس یک فهرست مطلب است. در آموزش عالی، همه با این موضوع هم عقیده‌اند که سیلابس یا طرح درس معرفی کلی از درسی است که تمام اطلاعاتی را که دانشجو باید از موضوع آن داشته باشد ارائه می‌دهد. این اطلاعات عبارت‌اند از: فهرست مطالب، اهداف درس، برنامه‌ریزی فعالیتها، انواع ارزشیابی، اطلاعات عملی، دستورالعمل‌های کار و غیره.

گفتنی است که کلمه سیلابس در همه کشورها با همین اسم به کار نمی‌رود. برای مثال، اصطلاح طرح درس در فرانسه پلان دو کوق (plan de cours)، در انگلیس کورس اوت لاین (course outline) و در بلژیک فرانسوی زبان پلی کپی یه (policopie) گفته می‌شود.

معمولاً هدف سرفصل توصیفی است و موضوع عبارت است از تمرکز درس بر برخی موضوعات و چگونگی سازمان‌دهی آنها. سرفصل اساساً ابزاری ارتباطی بین استاد و دانشجو است.

قبل از اینکه سرفصلی تهیه شود، چه حاصل تلاش گروهی در دانشگاه و چه مدون شده به وسیله استاد مربوط به آن درس باشد، توجه به چند نکته ضروری است:

1. تدوین یک سرفصل اتفاقی نیست، بلکه به دنبال تصمیم افراد یا گروهی صاحب‌نظر برای برآوردن نیازی آموزشی یا هر انگیزه خاص دیگری به وجود آمده است. بنابراین، مشخص کردن انگیزه‌های شکل‌گیری سرفصل در مجموع برنامه آموزشی یک رشته مهم است، به طوری که سرفصل را با سایر دروس پیوند می‌زند. برای مثال، سرفصل یک درس می‌تواند جوابگوی برخی توقعات بازار کار باشد.

2. برای تهیه سرفصل به وسیله استاد یا گروهی که آن را تهیه می‌کنند باید اقداماتی صورت گیرد، از جمله اینکه:

- اطلاعات و دانشها در مجموعه مطالب درس سازمان‌دهی شوند.
 - امتحانها، تمرینها، آزمایشگاهها و غیره تهیه و بازنگری شوند.
 - معرفی‌نامه‌ها، منابع درسی، راهنماها، جداول یا بارم نمره‌ها آماده‌سازی شوند.
 - افرادی چون معاونان، تکنسینها و کارکنان دبیرخانه استخدام شوند.
 - برخی ملاقاتها با مدیر برنامه، و همکاران فعلی، همکارانی که قبلاً این درس را داده‌اند، جهت استفاده از تجربیاتشان، صورت گیرد.
 - از فناوریهای جدید از جمله وب سایتها استفاده شود.
- این فعالیتها می‌توانند تنها یا گروهی با در نظر گرفتن بودجه یا بدون بودجه در زمانی معین انجام شود.

3. باید شرایط محقق شدن آموزش در نظر گرفته شود. برای مثال:

- استاد از قبل تعداد دانشجویان خود در آن درس را بداند، زیرا این مورد بر انتخاب فعالیتهایی که سازمان‌دهی می‌شوند، همچنین بر تحقق آنها، ارزشیابی امتحانات، کارها و غیره، به شدت، تأثیر می‌گذارد.

- ماهیت درس باید از ابتدا مشخص باشد که آیا درس اجباری یا اختیاری است؛ در سال اول تحصیلی ارائه می‌شود یا در سال آخر تحصیلی و ...
- فراوانی و کثرت درس نیز مهم است؛ آیا درس مورد نظر در تمام ترمها ارائه می‌شود یا سالی یک بار یا فقط یک بار در طول دوره تحصیلی.
- دانستن برخی اطلاعات از دانشجویان نیز مهم است. برای مثال، رشته تحصیلی و گرایش آنان، سن آنان، جنسیت آنان، توقعاتشان؛ آیا این توقعات شخصی یا شغلی است؟ درجه انگیزه آنان چقدر است؟ آیا دانشجویان همدیگر را می‌شناسند و با هم قبلاً کار گروهی کرده‌اند یا خیر؟
- بنابراین، تهیه سرفصل درسی کار ساده‌ای نیست و در مواقع ضروری در گرماگرم کار باید تصمیمات مهمی گرفت و به نکات به ظاهر پیش پا افتاده توجه داشت؛ زیرا پیشرفت کلاس به آنها بستگی دارد. در یک کلام اینکه تهیه سرفصل درسی مناسب، ارائه یک سرمایه‌گذاری بزرگ است. شایسته است در تلاش برای این سرمایه‌گذاری به سه پیشنهاد توجه کنیم:
- زمانی که موضوع یک درس جدید است، با اینکه اختیار کلاس در دست استاد است، استاد باید بر نکات ضروری درس متمرکز شود.
- در سرفصل، بیش از هر چیز به آنچه دانشجویان یاد خواهند گرفت توجه شود تا آنچه استاد درس می‌دهد.
- از آنجا که هر جزء تشکیل‌دهنده سرفصل باید کامل‌ترین باشد، پس اجزاء تشکیل‌دهنده آن باید بتوانند مجموعه‌ای منطقی و مستند تشکیل دهند و یکی پس از دیگری ارائه شوند.

اجزاء یک سرفصل مطلوب دانشگاهی

در یک سرفصل دانشگاهی مناسب قسمتهای مختلفی وجود دارند که عبارت‌اند از:

1. اطلاعات مربوط به سرفصل،
2. توصیف سرفصل،
3. اهداف سرفصل،
4. محتوای سرفصل،
5. فعالیتهای آموزشی،
6. ارزشیابی،

7. تقویم ملاقاتهای دانشجویی،

8. منابع و

9. نتیجه گیری.

1. اطلاعات مربوط به سرفصل

این قسمت شامل آن دسته از اطلاعاتی است که به کلاس، استاد و سایر افراد و غیره مربوط می شود.

اطلاعات مربوط به کلاس می تواند در خصوص عنوان درس، نوع درس، زمان برگزاری و مکان تشکیل آن باشد. اطلاعات مربوط به استاد می تواند درباره نام استاد، دفتر کار وی، شماره تلفن یا نمابر و نشانی او، راههای ارتباط دانشجوی با او (زمانی که دانشجویان می توانند استاد را ملاقات کنند) باشد. اطلاعات در مورد سایر افراد می تواند شامل نام آنان، عنوان و مسئولیتشان، شیوه های ملاقات با آنان (در دفتر کار، از طریق تلفن، ایمیل و غیره) و همچنین بیشترین اطلاعات در این مورد باشد که دانشجویان چگونه می توانند با درس خود و استاد مربوط رابطه مناسب را برقرار کنند؛ این امر نوعی دلگرمی برای دانشجوی ایجاد می کند.

2. توصیف سرفصل

توصیف سرفصل می تواند به دو گونه باشد: توصیف ساده و توصیف مشروح. توصیف ساده همان توصیفی است که در ارائه نام درس یا فهرست دروس خلاصه می شود. در توصیف مشروح اطلاعات دیگری ضمیمه می شود. برای مثال، مخاطبان درس چه کسانی هستند؟ درس پاسخگوی چه نیازی است؟ آیا درس اجباری است یا اختیاری؟ آیا برای شرکت در این درس باید دروس پیش نیاز گذرانده شده باشد یا این درس پیش نیاز درس دیگری است؟ یا حتی درس برای تعیین سطح است؟ جایگاه درس کجاست؟ در ابتدای برنامه، میانه یا در پایان برنامه است؟ آیا توسعه دانش یا دانش - زیستی یا دانش - عملی مدنظر است؟ آیا درس نظری است یا عملی؟

3. اهداف سرفصل

اهداف یادگیری آن دسته از اهدافی هستند که دانشجو را به سوی امور قطعی یادگیری هدایت کنند و چون عنصر حیاتی کلاس درس هستند باید به روشنی بیان شوند. اهداف

یادگیری، معمولاً ابتدا اهداف کلی یا عمومی یادگیری و سپس اهداف ویژه یادگیری را شامل می‌شوند. بهتر است در بخش اهداف سرفصل، یادگیریها و توانمندیهای هدف درس برای دانشجویان مشخص شود و اینکه دانشجویان در پایان درس چه توانمندیهایی را کسب کرده‌اند؟ در ارتباط با درس، باید توقعی که از دانشجویان با اصطلاح یادگیری از آن یاد می‌شود، مشخص شود.

همچنین، اهداف یادگیری اهدافی هستند که استاد با همکاری دانشجو در به اجرا در آوردن آنها در یک حوزه شناختی خاص دنبال می‌کند. این اهداف، اهداف عام و اهداف خاص را معرفی می‌کنند. اهداف عام معرف نوع یادگیری و اهداف خاص معرف عملکرد هستند.

اهداف عام یادگیری معمولاً جملات کوتاه یک تا سه خطی هستند که به طور کلی مقاصد آموزشی درس را تشریح می‌کنند. هر سرفصل می‌تواند یک تا سه هدف عام داشته و یا بر اساس نیاز بیشتر از این تعداد را هم داشته باشد. این اهداف معمولاً باید با یک جمله آغاز شوند، سپس یک هدف عام را دنبال کنند و در انتها با یک مطلب کامل کننده به پایان برسند. برای مثال:

درس (مرحله اول)؛

به دانشجویان امکان می‌دهد تا را بفهمند (مرحله دوم)؛

آموزش محقق شده است (مرحله سوم).

اهداف خاص یادگیری معمولاً جملات کوتاه یک تا سه خطی هستند که به طور مشخص به تعریف چیزی می‌پردازند که دانشجویان باید در شرایط آموزشی در آن موفقیت کسب کنند و معمولاً در آنها از افعالی مانند: دارا بودن، قبول کردن، تعریف کردن، دریافت کردن، ارزیابی کردن و توضیح دادن استفاده می‌شود. برای مثال:

در پایان درس دانشجو باید مهارت را داشته باشد.

4. محتوای سرفصل

در خصوص اینکه چه اطلاعاتی باید در محتوا باشد قانونی کلی وجود ندارد. محتوا قسمتی از سرفصل است که موضوعات مورد بحث در آن مشخص شده‌اند. بهتر است در بخش محتوا موضوعات به خوبی تعریف شوند تا هیچ‌گونه ابهامی وجود نداشته باشد و نیز دسته‌بندی و به نوعی درجه‌بندی شوند. همچنین بهتر است نظم و مدت پردازش به موضوعات در نظر گرفته شود. از هر کدام از موضوعاتی که امکان دارد فهرستی تهیه

گردد و از آوردن کلمات مبهم، دوبهلو و کلی گوییها احتراز شود. سرانجام، ارتباط بین درس با سایر دروس نیز مشخص شود.

5. فعالیتهای آموزشی

تلاشهای ملموسی که برای رسیدن به اهداف صورت می‌پذیرند، فعالیتهای آموزشی نامیده می‌شوند. انتخاب این فعالیتهای دشوار است، زیرا هیچ کدام، علی‌رغم پیشرفتهای علمی و فناوریها، مطلوب و لغزش‌ناپذیر نیستند. به قول ریشار پره ژان¹ کارآمدی یادگیری بیشتر به کیفیت و کمیت کارذهنی بستگی دارد تا به روشهای آموزشی؛ همان کار ذهنی‌ای که امکان خلاقیت را به دانشجو می‌دهد (Prégent, 1990). به گفته او باید همیشه توجه داشت که فعالیتهای آموزشی و یادگیری باید با اهداف یادگیری یا توانمندیهایی که باید شکوفا شوند منسجم و با افعال کنشی که در بخش اهداف نام بردیم مرتبط باشند. این فعالیتهای باید با توجه به کارکرد اهداف یادگیری انتخاب شوند نه برعکس آنها.

برخی فعالیتهای آموزشی از صدا کمک می‌گیرند، مانند سخنرانیها یا گزارشهای شفاهی؛ برخی از نوشتار کمک می‌گیرند، مانند گزارشهای مکتوب یا چکیده‌ها؛ برخی فعالیتهای خارج از کلاس درس رخ می‌دهند، مانند استفاده از آزمایشگاهها؛ برخی از لوازم و اسباب استفاده می‌کنند، مانند دستگاههای صوتی - تصویری و سرانجام، برخی فعالیتهای انفرادی و برخی گروهی‌اند. بنابراین، به محض اینکه فعالیتهای آموزشی و یادگیری مشخص می‌شوند، می‌توانند به دو دسته فعالیتهای داخل کلاسی و خارج کلاسی تقسیم شوند.

به هر حال، بهتر است دانشجو با مطالعه سرفصل دریابد درس چگونه و همراه با چه فعالیتهایی ارائه خواهد شد تا خود را با آنها منطبق کند. یکی دیگر از فعالیتهای آموزشی می‌تواند استفاده از وب سایتها باشد. موضوع در این باره بسیار وسیع است و می‌توان مقاله‌ای مفصل در خصوص فواید و مضرات آن نوشت. در حال حاضر تعداد بسیاری از وب سایتهای درسی وجود دارند؛ برخی برای همه قابل دسترس و دسترسی به برخی تنها با استفاده از کلمات عبور امکان‌پذیر است.

6. ارزشیابی

ما قصد تعریف انواع ارزشیابی را نداریم، چون می‌دانیم ارزشیابیها یا تشخیصی²

1. Richard Prégent
2. diagnostique

هستند، یعنی درجه عملکرد کم، متوسط یا زیاد دانشجویان را می‌سنجند که نه روی تابلوهای اعلانات اعلام می‌شوند و نه نمره‌ای به آنها داده می‌شود و یا تکوینی¹ هستند. این ارزشیابی برای تهیه اطلاعات درباره پیشرفت کارهای دانشجویان به کار می‌رود و از تمرینهای هیجانی به منظور اصلاح عملکرد نهایی که از دانشجویان انتظار می‌رود استفاده می‌کند. ارزشیابی تکوینی نیز نه روی تابلوهای اعلانات اعلام می‌شود و نه نمره‌ای به آنها داده می‌شود. نوع بعدی ارزشیابی پایانی² است که برای اندازه‌گیری درجه عملکرد دانشجویان به کار می‌رود و هم روی تابلوی اعلانات اعلام و هم در آنها نمره دیده می‌شود. بنابراین، یک دانشجو باید بداند نمره پایان ترم چگونه محاسبه خواهد شد. ملاکهای ارزشیابی چه چیزهایی هستند. شاید بهتر باشد حتی یک کپی از فرم ارزشیابی در اختیار دانشجو قرار گیرد تا از روشی که ورقه‌ها - با توجه به ملاکهای ارزشیابی - تصحیح می‌شوند، مطلع شود. بنابراین:

- ارزشیابی باید هماهنگ با اهداف یادگیری دنبال شود یا توانمندیهایی که باید توسعه یابند، صورت گیرد.

- ارزشیابی باید هماهنگ با محتوای درس مورد بحث در کلاس درس باشد.

- ارزشیابی، بخصوص از نوع سوم که با نمره همراه است، باید بسیار واضح و روشن باشد و ابهامی برای دانشجویان به همراه نداشته باشد. اینکه ارزشیابی شفاهی، کتبی، در کلاس یا خارج کلاس، انفرادی یا گروهی است، همراه با یک سری ابزارآلات است یا بدون آنهاست، از مواردی هستند که دانشجو باید مطلع باشد.

7. تقویم ملاقاتهای دانشجویی

حتی اگر انجام تمرینهای مربوط به درس اختیاری باشد، بهتر است از ابتدا زمانی را برای ملاقات استاد و دانشجو در طول ترم یا سال تحصیلی در نظر گرفت. برخی استادان از طریق وب سایتها این ارتباط را برقرار می‌کنند.

8. منابع

قسمتی از سرفصل درسی که اهمیت زیادی می‌تواند داشته باشد، بخش منابع است؛ یعنی

1. formative
2. summative

منابعی که دانشجویان برای ادامه درس باید در اختیار داشته باشند. این منابع اجباری یا اختیاری هستند و می‌توانند کتابهای آموزشی و مرجع، مجموعه متون، فایل‌های مجازی، پاورپوینتها، جداول و وب سایتها باشند. در برخی موارد می‌توان ابزار آلات مورد نیاز را معرفی کرد؛ مانند برخی نرم‌افزارها، لباسهای مخصوص کار، و ابزاری چون وسایل نقاشی یا موسیقی یا ضبط صدا، تصویر، و ...

9. نتیجه‌گیری

در آخرین بخش از اجزاء یک سرفصل مطلوب خاطر نشان می‌کنیم که یک سرفصل از دو جهت بررسی می‌شود: از جهت شکل سرفصل و از جهت بن‌مایه سرفصل. در خصوص شکل سرفصل بهتر است اندازه سرفصل را محدود و به ارائه نکات اساسی آن در 4 تا 7 صفحه اکتفا کرد تا به تدریج در طول کلاس اطلاعات تکمیلی به دانشجویان منتقل شود.

در خصوص بن‌مایه سرفصل نیز می‌توان محتوا را از قبل مشخص کرد و گروهی آن را تهیه و در اختیار استاد بگذارند؛ این همان شیوه‌ای است که در ایران هم انجام می‌شود یا اینکه به استاد آن درس اختیار تام داده شود تا خود به تهیه آن بپردازد. محتوا یا همان بن‌مایه سرفصل می‌تواند به جزئیات بپردازد یا تحلیلی باشد و در هر صورت باید با محتوای درس مطابقت کند.

پس از بررسی اجزاء یک سرفصل مطلوب دانشگاهی ذکر این نکته ضروری است که تهیه سرفصل درس می‌تواند تحت تأثیر عواملی باشد. برای مثال، با جهت‌گیری به سمت آموزش به انتقال دانش یا با جهت‌گیری به سمت یادگیری به کسب دانش راهنمایی شود. آموزش و یادگیری دانش، زیستن با دانش و به عمل در آوردن آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سرفصل می‌تواند تغییراتی را بپذیرد، زیرا یک سرفصل کارآمد می‌تواند زمانی ناکارآمد باشد. با تمام این گفتار باز هم نمی‌توان ادعا کرد که یک سرفصل می‌تواند به دور از هرگونه نقصی تهیه شود، بخصوص که اگر اولین، در نوع خود، و درباره یک درس باشد. اینجاست که پی‌می‌بریم تجدیدنظر در سرفصل‌های دانشگاهی - که تاریخ تدوین برخی از آنها به چند دهه می‌رسد - ضروری است. آخرین دستاوردهای روز، دانشجویان را دچار چالش می‌کند. از یک سو، سرفصل‌های درسی‌ای وجود دارند که در زمان تدوین آنها گروهی متخصص و کارشناس آنها را تهیه کرده‌اند و از سوی دیگر، علوم به سرعت پیشرفت می‌کند و ما نباید از آن دور بمانیم. اما از همه

مهم‌تر اینکه اکثر اطلاعات موجود، به‌ویژه در علوم انسانی، در غرب تهیه شده‌اند و با فرهنگ ما همسانی ندارند و نیاز به بومی‌سازی برخی علوم به شدت احساس می‌شود.

میزان مطلوبیت سرفصلهای رشته زبان فرانسه

اینک، برای نمونه، سرفصلهای درسی رشته زبان فرانسه در مقطع کارشناسی را مرور می‌کنیم. این سرفصلها در سال 1369 تدوین شده‌اند. اگرچه چند سال پیش با همت دانشگاه اصفهان سرفصلی ارائه شد؛ برخی دانشگاهها هنوز از همان سرفصلهای قدیمی استفاده می‌کنند.

در خصوص ویژگیهای سرفصل درسی صحبت کردیم که باید روشن و واضح بیان شود؛ اما در برخی سرفصلها می‌بینیم که آنها خالی از ابهام نیستند. برای مثال، در درس «دوره مقدماتی زبان فرانسه» که از دروس پیش نیاز است، دانشجو باید 306 ساعت آموزش نظری زبان فرانسه را با یکی از روشهای آموزش زبان بگذراند. لفظ «یکی از روشهای آموزش زبان» از ابهامات سرفصل به حساب می‌آید، زیرا روش زبان‌آموزی را مشخص نکرده است. برخی روشهای زبان‌آموزی از روشهای سمعی - بصری کمک می‌گیرند، برخی برنکات دستوری تکیه دارند و برخی با توجه به رویکرد ارتباطی¹ تهیه شده‌اند. این بلا تکلیفی از یک سو، سودمند است؛ زیرا گروه آموزشی برای انتخاب روش زبان‌آموزی مختار است و از سوی دیگر مضر، زیرا با سلايق متفاوت دانشگاهها، دانشجویانی با سطح سواد متفاوت خواهیم داشت که در آزمون کارشناسی ارشد این مشکل نمایان می‌شود.

پیش‌تر ذکر کردیم وجود انسجام ضروری است، زیرا مطالب تکراری وقت استاد، دانشجو و بیت‌المال را هدر می‌دهد. برای مثال، در درس «تفسیر متون ادبی»، درس «درآمدی بر ادبیات فرانسه» پیش‌نیاز شناخته شده است. در این درس آثار نویسندگان بزرگ فرانسوی و آثار عمده آنان در قرون 18 و 19 و در کل، ادبیات فرانسه در این دو قرن و انواع آثار مهم ادبی از جمله، نوول، رمان، تراژدی، کمدی و ... مورد نظر است. توجه داشته باشید که ذکر این سه نقطه که در سرفصل آمده است خود ابهامی بر این سرفصل است. وقتی به هدف درس تفسیر متون ادبی نظر می‌کنیم درمی‌یابیم که هدف، آشنایی دانشجویان با متون نظم و نثر است، درحالی‌که در درس پیش‌نیاز تأکید بر نویسندگان قرون 18 و 19 و آثار آنهاست.

مرتبط بودن سرفصلها با گرایش رشته نیز مهم است. برای مثال، درس «خواندن و

1. approche communicative

درک مفهوم متون گوناگون» می‌تواند برای هر دو گرایش مترجمی و ادبیات فرانسه مفید باشد؛ اما فقط برای گرایش مترجمی در نظر گرفته شده است.

سرفصلها باید روزآمد بوده، با تحولات جاری و فکری روز همخوان باشند. اما سرفصلهای دروس فرانسه بسیار کلی است، مانند «ترجمه متون» و «دستور زبان».

بهتر است سرفصلها کاربردی باشند. هر چند در تهیه سرفصل برای رسیدن به این هدف تلاش شده است، تجربه نشان می‌دهد که به‌ندرت یک دانشجوی پس از گذراندن چند واحد ترجمه توانسته است در ترجمه هرگونه متنی موفق باشد یا در مورد ادبیات فرانسه و تفسیر متون ادبی صاحب نظر باشد.

وجود تناسب سرفصلها با تعداد واحد درسی نیز مهم است. برای مثال، زمان در نظر گرفته شده برای دروس «درآمدی بر ادبیات فرانسه» و «تاریخچه ترجمه» یکسان است و این درحالی است که اولی به زبان فرانسه ارائه می‌شود و دشوارتر از دومی است که به زبان فارسی تدریس می‌شود.

در مطالب سرفصل نباید تکرار و تداخل وجود داشته باشد. برای مثال، سرفصل دروس «مکالمه 1 و 2» تفاوتی با هم ندارند. بنابراین، دو راه اساسی پیشنهاد می‌شود:

1. در مقطع کارشناسی فقط به آموزش زبان اکتفا شود و آموزش مترجمی و ادبیات مختص به مقاطع بالاتر باشد. به عبارتی، دانشجویان در مدت چهار سال تنها به فراگیری زبان بپردازند و در مقطع کارشناسی ارشد، در آموزش مترجمی، به طور تخصصی، ترجمه را فراگیرند و نیز در آموزش ادبیات، ادبیات فرانسه و فارسی را به طور تطبیقی بیاموزند تا تأثیر این دو ادبیات بر یکدیگر آموزش داده شود. برای مثال، در داستانهای لافونتن¹ داستانی مشابه داستان روباه و زاغ در کلیله و دمنه وجود دارد، اما مشخص نیست کدام یک برگرفته از دیگری است یا اشعار روتبوف² که ما را به یاد ابیات عیید زاکانی (شکورزاده، 1377) در شکایت از روزگار و در باب تنگدستی خود می‌اندازد.³

روتبوف نیز می‌گوید: ... وجه کفاف ندارم و همواره در حسرت نان به سر می‌برم ... دیگر کسی به من وام نمی‌دهد و همه از من روی گردانند ... (شکورزاده، 1377).

1. La Fontaine

2. Rutebeuf

آیا ادای فرض کنم یا ادای قرض

فکر از برای خرج کنم یا برای قرض

در کوچه قرض دارم و اندر سرای قرض

3. قرض خدا و قرض خلایق به گردنم

خرجم فزون ز عادت و قرضم برون ز حد

در شهر قرض دارم و اندر محله قرض

بنابراین، آموزش ادبیات در مواردی که امکان تطبیق وجود دارد بسیار شیرین تر و به یاد ماندنی تر خواهد بود.

2. در سرفصل فعلی بازنگری جدی شود یا در طریقه ارائه دروس و رعایت تقدم و تأخر آنها ملاحظات لازم صورت گیرد. برای نمونه، به چند مورد اشاره می شود:

- در دروس مشترک بین دو گرایش مترجمی و ادبیات ملاحظه می شود که دروس محدودی مانند «انشاء ساده» و «وقایع نگاری» هر کدام به ارزش 2 واحد¹ به طور خاص به نگارش می پردازند. ممکن است در جواب گفته شود که «دروس پیش دانشگاهی» و «دیکته و گرامر»¹ نیز به این مقوله می پردازند، اما باید دانست که آموزش نکات دستوری با کاربرد صحیح آنها توسط دانشجویان تفاوت دارد. به عبارتی، دانشجو باید بتواند به مرحله دانش عملی برسد، یعنی آنچه فرا گرفته در موقعیتهای گوناگون به کار برد که این کار فقط با ممارست و تمرین امکان پذیر است و اختصاص دادن 2 یا 4 واحد بسیار ناچیز است.

- درس «آواشناسی» به ارزش 2 واحد درس دیگری است که پس از درس «خواندن متون ساده» یا شاید در مواردی هم زمان با این درس و به طور مسلم پس از «خواندن و درک متون ساده» و «خواندن متون اسلامی» ارائه می شود. در صورتی که دانشجو باید با صداها، حروف صدا دار و بی صدا، نحوه ادغام و غیره اطلاعاتی داشته باشد تا بتواند کلمات را به درستی ادا کند یا نحوه بالا و پایین بردن صدا و لحن مناسب در جملات سؤالی و امری و تعجبی و غیره را به درستی به کار برد.

- درس «وقایع نگاری» یکی دیگر از دروسی است که نگارنده به خوبی در حین تدریس به دانشجویان به مشکل این درس پی برد، زیرا درس «وقایع نگاری» که سرفصل آن نگارش وقایع و حوادث اجتماعی، سیاسی، خانوادگی و شخصی مندرج در مطبوعات فرانسه زبان و توصیف صحنه و کاربرد اصطلاحات و واژه های مناسب در هر زمینه است، زمانی ارائه می شود که دانشجویان هنوز همه دروس دیکته و گرامر را نگذرانده اند؛ بنابراین، چگونه می توان از دانشجو انتظار داشت که بدون دانستن ساختار جملات به بیان حوادث پردازد.

- در گرایش مترجمی، متون گوناگون از علمی - فنی، نظم و نثر، مطبوعاتی، علوم

1. یادآوری این نکته لازم است که در این مقاله از همان عبارات سرفصلها استفاده شده است و اگر به واژگانی چون دیکته و گرامر برمی خوریم، این عبارات در سرفصلها آمده اند و به عمد به املا و دستور زبان تغییر نیافته اند.

انسانی و اجتماعی، هر کدام چند واحد مختصر ارائه می‌شود و درسی به نام «ترجمه متون ادبی» به چشم نمی‌خورد.

- از طرفی در گرایش ادبیات، دروس ادبیات به جای این که از قرون معاصر به قدیم برگردد، از قرون 17 و 18 آغاز می‌شود که درک زبان آن متون با توجه به قرون ذکر شده، شاید در مواردی با سطح معلومات دانشجویان در ترمهای پایین تر هماهنگ نباشد.

همچنین درس «روش تحقیق» فقط برای گرایش ادبیات در نظر گرفته شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود در گرایش مترجمی تعداد واحدهای بیشتری به آموزش زبان فارسی و سبکهای نگارشی اختصاص یابد، زیرا لازمه ارائه متن ترجمه خوب، آشنایی و تسلط به هر دو زبان مبدأ و مقصد است. بهتر است در گرایش ادبیات نیز در حد ممکن ادبیات به شیوه تطبیقی تدریس شود؛ با این روش گامی به سمت بومی کردن سرفصلها برداشته‌ایم (بهرام‌بیگی، 1380).

در خاتمه پیشنهاد می‌شود دست کم دو واحد به فرانسه‌شناسی و شناخت فرهنگ این کشور اختصاص یابد. از آنجا که فرهنگ ما و کشور فرانسه هیچ‌گونه شباهتی به هم ندارند و ناآگاهی از مسائل فرهنگی موجب سوء تفاهماتی می‌شود، بهتر است برخی موارد آموزش داده شوند.

نتیجه‌گیری

ویژگیهایی که در این مقاله برشمردیم برای رشته‌های غیر علوم انسانی نیز کاربرد خواهد داشت و به نظر می‌رسد در یک سرفصل مطلوب مثلث آموزش، یعنی استاد، دانشجو و منبع درسی، در نظر گرفته می‌شود. شناخت استاد از درس و دانشجو، شناخت دانشجو از استاد و محتوای درس در سرفصل مطلوب باید رعایت شود. بخشهای مختلف سرفصل از تعریف گرفته تا فعالیتهای آموزشی و غیره همه و همه در خدمت استاد و دانشجو هستند تا تعامل بین آنها و رابطه با درس مورد نظر به خوبی برقرار شود و اهداف سرفصل که همانا کسب مهارت و دانش از طرف دانشجوست در زمانی معین محقق گردد که بدیهی است در صورت وجود نقص در هر یک از بخشهای سرفصل انسجام لازم به وجود نخواهد آمد و به هدف مورد نظر نخواهیم رسید.

امید آنکه سرفصلهای درسی با توجه به تحولات جامعه بازنگری شوند و تحول در سرفصلهای درسی به‌ویژه علوم انسانی، علومی که با انسان در ارتباط بیشتر است، هر چه سریع‌تر صورت گیرد.

پس هر چقدر سرفصلها بهتر تنظیم شوند، سطح آموزش بهتر می‌شود. بهتر است

معماران آموزشی خوبی باشیم که ضرب‌المثل:

خشت اول گر نهد معمار کج

تا ثریا می‌رود دیوار کج

شامل حال ما نشود.

منابع

- بهرام‌بیگی، مهری (1380)، «نگاهی به سرفصلهای درسی رشته زبان فرانسه (ادبیات و مترجمی)»، سخن سمت، سال هفتم، شماره اول، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان «سمت».
- رحمتیان، روح‌ا... (بهار 1390)، «مفاهیم بنیادی و تخصصی آموزش زبان و رشته‌های وابسته»، فرهنگ سه‌زبانه مدرس، تهران: انتشارات سپاهان.
- شکورزاده، ابراهیم (1377)، تاریخ ادبیات فرانسه، جلد اول: قرون وسطی و قرن شانزدهم، تهران: سازمان «سمت».
- فردانش، هاشم (1378)، «سرفصلها و جایگاه آنها در برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور»، سخن سمت، سال چهارم، شماره پنجم، تهران: مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی سازمان «سمت».
- Altman, H., & Cashin, W. (1992), *Writing a Syllabus*, Kansas State University, Center for Faculty Evaluation and Development. <http://www.Theideacenter.org/IDEAPaper27>.
- CEFES (2000), *Plan de Cours et Formulation Des Objectifs D'apprentissage*. Formation pour les responsables de Programmes de la FEP, Centre D'études et De Formation en enseignement supérieur, Université de Montréal.
- Cuq, Jean-Pierre (sous la direction de), (2003), *Dictionnaire de Didactique du Français Langue étrangère et Seconde*, Paris: asdifle / Clé International.
- Daele, Amaury (2010), "Élaborer un syllabus de cours (ou plan de cours)" in www.Unil.ch/cse
- Lexis LAROUSSE DE LA LANGUE FRANÇAISE (2002), Paris, 2109+ XVI p.
- Prégent, Richard (1990), *La préparation d'un Cours. Connaissances de Base utiles aux professeurs et chargés de cours*, Montréal: Éditions de l'École Polytechnique de Montréal, Montréal, 274p.
- www.cefes.umontreal.ca/.../guides/Plan_cours